

زبانهای مقدس

و متون مقدس

محمد رضا فخر روحانی
عضو هیأت علمی دانشگاه قم

John F. A. Sawyer, *Sacred Languages and Sacred Texts*, London/New York: Routledge, 1999. X + 190 pp. £ 50.00 (paperbound £ 16.99).

تقریباً در غالب سنتهای دینی و ادیان معروف جهان به پدیده زبان اشاره شده است^(۱) و سنتهای دینی و مطالعات علوم الهی همواره انگیزه‌ای قوی برای مطالعه زبان بوده‌اند، خواه برای قرائت درست و فهم متون و نصوص دینی و خواه برای ترجمه آنها.

سنت زبانشناسی هند باستان که رفیعترین قله دستاوردهای آن، در دستور زبان سانسکریت، اثر پانینی^(۲) می‌باشد، در اصل به منظور صیانت قرائت و تلفظ اصیل ریگ ودا، یعنی متون مقدس هندوان، تدوین شد و اساساً مطالعه زبان در هند باستان از دل نیازهای مراسم و شعائر جوانه زد و همواره رابطه تنگاتنگی با دین داشت.^(۳) در ایران، ابداع خط اوستایی (دین دبیری یا دین دبیری) هم ناظر به ثبت تلفظ صحیح متون مقدس زردشتی بود.^(۴) در سنت زبانشناسی اسلامی و عربی که بنیاد آن با نامه معروف حضرت امام علی ابن ابی طالب (ع) به ابوالاسود دوئلی و تعریف جامع، مانع و اقتصادی از اسم و فعل و حرف [در زبان عربی] آغاز می‌شود، هدف و انگیزه اولیه آن حضرت، ثبت و ضبط قواعد زبان عربی برای قرائت و فهم درست قرآن مجید بود.^(۵) صرف، نحو، معانی و بیان و حتی بحث الفاظ در علم اصول فقه، که همگی بحثهایی زبان

۱۹۹

شناختی‌اند، ناظر به همین رابطه میان زبان و دین هستند و به طور سنتی تعلیم و تعلم تجوید قرآن مجید (آواشناسی عربی قرآنی) هم تأییدی بر پیوند میان دین و زبان است. این پدیده، خاص جهان اسلام نبوده و در مسیحیت هم رواج دارد. در آمریکا مکتب زبان‌شناسی نقشگاهی^(۶) که به مطالعه زبانهای گوناگون می‌پردازد، مطالعات زبان‌شناختی را با هدف ارائه ترجمه‌هایی بهتر از کتاب مقدس (عهدین) به سایر زبانها انجام می‌دهد، این نهاد علمی به همت کنث پایک^(۷) و با همکاری یوجین نایدا^(۸) - که هر دو از کشیشان زبان‌شناس هستند - بنیاد نهاده شد. از این رو، دین احتمالاً یکی از مؤثرترین عوامل اجتماعی و جلوه‌های فرهنگی بشر است که تأثیراتی شگرف بر زبان دارد و در غالب زبانها، متون دینی در زمره نخستین شواهد مکتوب از آن زبانها می‌باشند.^(۹) افزون بر این، یکی از نظریه‌های پیدایش زبان هم به منشأ الهی آن مربوط می‌شود.^(۱۰)

نویسنده کتاب، آقای جان سویر، مدارج عالی علمی خود را در رشته علوم الهی و زبانهای کلاسیک (لاتینی و یونانی) از دانشگاه ادینبورو در انگلستان گرفته و سپس مطالعات زبان عبری و یهودشناسی را در دانشگاه عبری بیت‌المقدس (اورشلیم) ادامه داده است. او مدتی مدیر بخش مطالعات دینی در دانشگاه نیوکاسل آبن تاین بود و اکنون استاد مطالعات کتاب مقدس و یهودشناسی در دانشگاه لنکستر انگلستان می‌باشد و به زبان فارسی هم آشنایی دارد.

در سرتاسر کتاب، بیشتر توجه به دین یهود و زبان عبری می‌باشد. غالباً هر جا که پدیده‌ای دارای نمونه‌هایی در ادیان مختلف بوده است، وی مثالها را از زبان عبری و عهد عتیق می‌آورد. در چند مورد، وی از کشور اسرائیل باستان سخن می‌گوید و هرچند که حضرت عیسی ابن مریم (ع) آخرین پیامبر از نسل یعقوب می‌باشد، اما برای شریعت وی هویتی مستقل قایل نشده و آن را دارای ریشه یهودی می‌داند، حتی اعلام مربوط به اسلام، قرآن و زبان عربی را در نمایه مندرج در پایان کتاب نمی‌آورد. از همین روی نیز مثالهایی از زبان عربی و دین اسلام در کتاب اندک می‌باشند، اما نگارنده این مقاله به دلیل ناآشنایی بیشتر ایرانیان [مخاطبان اولیه مقاله] با زبانهایی مانند عبری، سریانی، لاتین و یونانی، برخی مثالهای کتاب را با حفظ مفاهیم و محتوای مباحث، با معادل‌های عربی یا فارسی جایگزین نموده است. در اینجا یادآوری دو نکته لازم است: نخست آن که این کتاب از سرشتی دینی - زبان‌شناختی برخوردار است و آنچه در پی می‌آید بیشتر



ناظر بر جنبه‌های زبانشناختی آن است، نه استدلال‌های دینی، کلامی، فلسفی و جز آن، زیرا نویسنده مقاله حاضر از زاویه دید زبانشناسی به این کتاب نگریسته است. دوم آن که همو - نویسنده مقاله - طی جلسات مختلف گفتگو با اساتید و همکاران زبانشناس خود به دو مطلب وقوف پیدا کرده است: اولاً، شمار اندکی از این بزرگواران - زبانشناسان - جایگاه زبانشناسی معاصر را در رویکرد به متون دینی و نگاه زبانشناسانه به زبان دین را خالی می‌بینند، در حالی که برخی دیگر - مع‌الاسف - چندان بدین مهم عنایت لازم را مبذول نمی‌دارند. لذا بازنمایی ابعاد زبانشناختی مطروحه در کتاب با مثالهایی از فارسی یا عربی به همین منظور بوده است. ثانیاً، نفس طرح مثالهای فارسی و یا عربی به نیت گام برداشتن در این راه و ترغیب دیگر زبانشناسان به چنین مطالعاتی می‌باشد. در سرتاسر این مقاله، مثالهای فارسی و عربی که افزوده نگارنده مقاله می‌باشد، در پی نوشتها آورده می‌شود تا کتاب وفادارانه معرفی شده باشد.

کتاب حاضر از یازده فصل تشکیل شده است. ۱ - مقدمه (ص ۸-۱)، ۲ - وضعیت زبانی (ص ۹-۲۲)، ۳ - زبانهای مقدس (ص ۲۳-۴۳)، ۴ - قرائت و کتابت (ص ۴۴-۵۸)، ۵ - تقدس بخشیدن (ص ۵۹-۷۵)، ۶ - ترجمه (ص ۷۶-۹۵)، ۷ - معتقدات و نظارتها (ص ۹۳-۱۱۱)، ۸ - اسماء و اعداد (ص ۱۱۲-۱۲۸)، ۹ - سبکها و روشها (ص ۱۲۹-۱۴۲)، ۱۰ - تفسیر (ص ۱۴۳-۱۶۱)، ۱۱ - نتیجه‌گیری (ص ۱۶۲-۱۷۰)، کتابنامه (ص ۱۷۱-۱۸۲) و نمایه (ص ۱۸۳-۱۹۰). آنچه در پی می‌آید، نکات برجسته‌ای است که در فصلهای کتاب مطرح شده است.

فصل ۱ - مقدمه: در آغاز به یهودی‌الاصل بودن کتاب مقدس اشاره شده است و نویسنده آن را نکته‌ای پذیرفته شده می‌داند. سپس به تاریخ تأثیرگذاری متون^(۱۱) اشاره می‌کند که چگونه متنی می‌تواند جوامع و فرهنگها را در طی قرون متأثر سازد. وی از میان رهیافت‌های گوناگون به زبانها و متون مقدس به رهیافت‌های مردم‌شناختی، فرهنگ‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی زبان اشاره می‌کند. وی زبانها و متون مقدس را این‌گونه معرفی می‌کند که دارای نقشهای گوناگون در محیطهای دینی بوده‌اند و بیشتر مثالها را از عهد عتیق، زبان عبری و آیینهای دینی یهودیت می‌آورد و همین‌ها هم عمده مواد تحقیق وی را فراهم ساخته‌اند.

فصل ۲ - وضعیت زبانی: در این فصل، نویسنده به تأثیر زبان بر سایر جنبه‌های

تمدن بشری، اعم از سیاست، تجارت، طبقات اجتماعی و دین اشاره می‌کند و از جمله پرسشهای وی این است: چه چیزی سبب شده تا برخی زبانها به عنوان زبانهای «مقدس» از سایرین متمایز گردند؟ ترجمه یک اثر دینی چه تأثیری بر پیروان آن دین و آن متونی دارد که مقدس تلقی می‌گردند؟ ترجمه متون دینی از زبانهای سامی (مانند عربی، عبری و جز آن) به یک زبان هندو اروپایی (آلمانی، فارسی، انگلیسی، ارمنی و جز آن) چه تأثیری بر مردم دارد؟ چرا، چگونه و کدام زبانها با ادیان خاصی ملازمت و مجانست پیدا می‌کنند؟ وی در پاسخ به این پرسشها به دو شهر بیت المقدس (اورشلیم) و رم نظر می‌کند که اولی مرکز ادیان ابراهیمی و جایگاه رشد و بالندگی برخی زبانهای سامی است، و دومی - شهر رم - پایگاه حکومت کلیسا بر اروپایان قرون وسطی بود. هر دو شهر، همچون غالب مراکز دینی و سیاسی، شهرهایی چندزبانه بوده‌اند. اگر غیر از این بود، شاید این امکان کمتر فراهم می‌شد که برخی از این زبانها از چنین رفعت و فخامت شأنی برخوردار شوند.

در خصوص زبان آرامی در مشرق زمین این ویژگیها وجود داشت که زبان سوداگری، دادوستد، سیاست و حکومت در بخش وسیعی از خاورمیانه امروزی بود: از غرب هندوستان، ایران و بین‌النهرین گرفته تا عراق، سوریه، فلسطین و مصر. کتابت آن با الفبایی آسان انجام می‌شد لذا فراگیری آن چندان دشوار نمی‌نمود.

در اروپا، ابتدا زبان یونانی و سپس لاتینی به منزلت زبان حکومت و سیاست بار یافتند. یونانی موقعیتی فراگیر بدست آورد، زیرا که زبان فلاسفه یونان و نیز زبان حال خدایان یا اسطوره‌های یونان بود. با چرخش قدرت از یونان به رم، زبان یونانی جای خود را به لاتین داد و رم مرکز حکومت شد و لاتین نیز زبان کلیسا.

فصل ۳ - زبانهای مقدس: این فصل به بررسی زبانهای مقدس اصلی در روزگاران

باستان و روندی که به مقدس شدن آنها انجامید می‌پردازد. از جمله این زبانهای اصلی، عبری، یونانی و لاتین را می‌توان نام برد، هر چند که بعدها زبانهایی مانند آرامی یهودی، سریانی، مسیحی و اوستایی هم بدانها پیوستند. پدیده تکلم به چند زبان^(۱۲) نیز در همین جا بررسی می‌شود و عواملی از قبیل محافظه‌کاری دینی، ملی‌گرایی، دوزبانگی و



خواندن و نوشتن از جمله عوامل مهم در زمینه بررسی زبانهای مقدس هستند.

فصل مشترک همه ادیان این است که اعمال عبادی و مناسک دینی با زبانهای خاص و گونه‌های معینی از زبانها مجانست و آمیختگی پیدا می‌کنند. در برخی ادیان، زبان شعائر دینی گونه‌ای خاص از زبان مردم بوده و در برخی دیگر گونه‌ای مهجور و قدیمی است که برای غالب مؤمنین نا آشنا و گنگ می‌نماید، به طوری که تنها عالمان دین بدان آگاهی دارند. مثلاً یهودیان هر کجا که رفتند زبان آن قوم را به خوبی فراگرفتند، لیکن در اعمال و مناسک دینی و نیز قرائت عهد عتیق همان زبان عبری باستانی را حفظ نموده‌اند. برعکس، مسیحیان از همان آغاز تمایل داشتند که مفاهیم و مطالب دینی خود را به زبان مردم عادی بیان کنند و لذا ترجمه عهدین به دست مسیحیان از رواج بسیار فراوانی برخوردار شده است.

یکی از دیگر ویژگیهای زبان و محیط دینی، استفاده از چند زبان است که این را قدرت تکلم به چند زبان می‌نامند، یعنی این که می‌توان به چند زبان با خداوند و یا دیگر موجودات روحانی صحبت کرد و این ارتباط، خاص یک زبان واحد و مشخص نیست. (۱۳)

در صورتی که زبان به کار رفته در متون دینی به همان صورت قدیمی حفظ شود، چندین اثر دارد که اجمالاً عبارتند از: ۱- تنها افراد خاصی اجازه تفسیر کتاب مقدس را دارند که این کار موقعیتی ویژه برایشان می‌آورد؛ ۲- نامفهوم بودن زبان به کار رفته در متون دینی برای عامه مردم؛ ۳- در امر انتقال ادعیه و اذکار به طور شفاهی، و نه کتبی، تأکید روی تلفظ صحیح و قرائت اصلی است؛ ۴- هرکسی مجاز به نسخه‌برداری از متون دینی نمی‌باشد و ۵- زبان مقدس با هاله‌ای از احترام و تقدس همراه است و چنین تلقی می‌شود که زبان فرشتگان، خداوند و اهل بهشت می‌باشد. (۱۴)

آنچه در این میان برای نویسنده جالب است این است که چه عواملی سبب می‌شوند تا یک زبان یا گونه زبانی به زبانی مقدس و دینی تبدیل شود. این عوامل دخیل عبارتند از: ۱- عوامل جامعه‌شناختی زبان و ۲- عوامل دینی - کلامی. از دسته اول می‌توان به روابط میان جامعه دینی و دیگر جوامع زبانی اشاره کرد، مثلاً رابطه میان روحانیان و کاهنان با دیگر طبقات جامعه که گروه اول در درون جامعه صنفی خویش به احتمال زیاد از گونه‌ای خاص استفاده می‌کنند. دیگر آن که زبان دینی تنها برای مقاصد خاص شعائر و

مناسک دینی به کار می‌رود و زبان یا گونه متداول میان عامه مردم نیست. دوزبانگی هم عامل مهمی است که سبب می‌شود یکی از دوزبانان، یعنی آن که به دین مرتبط است همواره محفوظ بماند.^(۱۵)

دیگر آن که قرائت و کتابت متون دینی، و در برخی سنتهای دینی استماع نصوص دینی، مستلزم کسب دانشهای دینی و خاصی بوده، لذا هر کسی مأذون به استنساخ متون دینی نیست. همین مطلب درباره کاهنان، دعانویسان و جن‌گیران هم که اورادی را می‌نویسند صادق است که تنها خودشان مأذون به قرائت و کتابت و حتی رؤیت آنها می‌باشند.

از جمله عوامل دینی - کلامی می‌توان به احترام و تقدس برای متون اصلی دینی به دلیل اصالتشان اشاره کرد که همین امر سبب محفوظ ماندن آنها شده است. عامل دیگر، محافظه‌کاری دینی است که از هر گونه دست‌یازیدن به متون دینی، و لو املای کلمات، هم جلوگیری می‌کند. حتی اگر در متن دینی اشتباهی هم وجود داشته باشد، به اعتبار آن متن ممکن است درست تلقی شود و لذا جلو هر گونه ابداع، نوآوری و بدعت گرفته می‌شود. همین امر عاملی است در جهت حفظ رابطه و تحکیم و تنسیق آن با گذشته و سرچشمه منابع دینی.

جالب است بدانیم که مثلاً در دین یهود، تمامی گونه‌های زبان عبری مقدس تلقی نمی‌شوند، بلکه مراد از زبان عبری «مقدس» گونه به کار رفته در مکتوبات عبری خاخامی یا زبانی است که طومارهای مکشوفه در بحرالمیت به آن نوشته شده است. به همین دلیل نزد یهودیان، مراد از زبان مقدس، زبان عبری متون مقدس دینی یهود بوده است.^(۱۶) به همین نحو، پیروان ادیان گوناگون در شعائر و مناسک دینی خود، همان‌گونه قدیم و اصلی به کار رفته در متون مقدس را به کار می‌برند که حاکی از وجود محافظه‌کاری و احتیاط می‌باشد. البته در گذر زمان عقایدی تابو وار^(۱۷) حول زبان مقدس به وجود می‌آید که آن را با عقایدی خاص درمی‌آمیزد، از جمله قداست آن زبان و نیز ازلی، الهی و قدیم بودن آن است.

اما این وضعیت در خصوص مسیحیت و زبان یونانی وضعیت تفاوت می‌کند. وجود اساطیر و خدایان یونانی، آثار فلسفی یونانی و نیز ترجمه هفتادی یا سبعینی^(۱۸) از عهد عتیق به یونانی‌شان و منزلتی دینی به زبان یونانی بخشید که با اقتدار سیاسی یونان



در هم آمیخت و سبب شد که یونانی هم از شأنی دینی برخوردار شود، اما نه در سطح و ساحت عبری یا عربی. اندک اندک در کلیسای امپراطوری روم غربی، لاتین جای یونانی را گرفت و تا تشکیل شورای واتیکانی دوّم در سالهای ۱۹۶۲-۶۵، زبان کلیسای کاتولیک رومی بود. (۱۹)

در خصوص زبان اوستایی، وضعیت زبانی همان است که درباره عهد عتیق یا قرآن گفته شد. گاتاها که به قولی عین‌الفاظ صادر شده از زردشت تلقی می‌شوند به زبان اوستایی باستان بوده و همچنان حفظ شده‌اند.

از طرفی تحقیقات جدید در زمینه تکلم به چند زبان در بافت دینی ناظر به پدیده‌های جالبی می‌باشد؛ زبان متعارف مشخص و مشترکی میان عابد و معبود برقرار نیست، بلکه صرفاً رابطه با خداوند مطرح است و حتی این که خداوند تبارک و تعالی را در عبری ئیل (El)، در عربی الله، در فارسی خدا و یا در اوستایی اهورامزدا بخوانند، تفاوتی نمی‌کند. (۲۰) دیگر آن که کلمات و الفاظ ادعیه با یک همخوان (صامت) و سپس یک واکه (مصوت) آغاز می‌شود و دو همخوان (خوشه همخوانی) در آغاز هجا نبوده و تکیه بر روی هجای اول کلمه است، طول عبارتها تقریباً یکسان بوده و تفسیر ادعیه در صلاحیت عالم دینی است، ترجمه ادعیه تلاش و تقلایی فردی نبوده، بلکه در ذیل عنایات رحمانی امکان‌پذیر می‌باشد.

فصل ۴ - قرائت و کتابت: این فصل به رواج قرائت و کتابت در یونان عهد هلنی اشاره دارد که اوج قرائت و کتابت در آن دوره در تأسیس مدرسه‌ها و آکادمیها مشهود بود. در سنت تعالیم تلمودی هم کتابت و آداب آن شأن والایی داشته و به گفته خاخام حیسدا (متوفای ۳۰۹ میلادی) هر کس که کتاب شریعت، انبیاء و مکتوبات را تحریر کند و در اختیار دیگران گذارد، هم در این جهان و هم در آن جهان رستگار خواهد شد. (۲۲) نویسنده کتاب به کتابخانه‌های بزرگ یونانی در آتن، اسکندریه، انطاکیه و دیگر جاها اشاره می‌کند. همین تأثیر در رم هم مشهود بود که به صورت علاقه‌ای احیا شده نسبت به تاریخ، علم، فلسفه و فرهنگ یونانی تجلی پیدا کرد.

در کنار این احترام نسبت به کتابت متون دینی که هم در تمدن یونانی - رومی و هم در سنت یهودی وجود داشت، نویسنده عنوان می‌نماید که افلاطون بر تقدم زبان گفتاری

تأکید می‌ورزید و این که عمیق‌ترین حقایق را نمی‌توان مکتوب کرد. همین احترام و تقدس برای قرائت و تلفظ متون دینی به اهمیت دادن به سنت نقل شفاهی مطالب منجر شد تا آنجا که واژه qara در عبری به مفهوم قرائت کردن بود و از این ریشه است که یکی از واژه‌های عبری برای کتاب مقدس یعنی مقراء Miqra گرفته شده است.^(۲۳) علاوه بر این، واژه ha-ketubim در عبری، hai graphai در یونانی و scriptura در لاتین، حتی بدون صفاتی با مفهوم «مقدس» و جز آن، به مفهوم «کتاب مقدس» می‌باشند.^(۲۴)

فصل ۵ - تقدس بخشیدن: تقدس بخشیدن روند پیچیده‌ای است که در ادیان

گوناگون به صبغه قدسی و دینی متون خاصی منجر می‌شود. آنچه به تقدس یافتن یک متن منجر می‌شود، تنها در زبان و یا گونه زبانی به کار رفته در آن نهفته نیست، بلکه منبع و مصدر ایجاد آن نقش مهمتری ایفا می‌کند. از قرن چهارم میلادی، اصطلاح canon یعنی «قانون شرع» از سوی نویسندگان مسیحی به کتابهایی اطلاق می‌شد که رسماً به عنوان متون مقدس پذیرفته شده بودند.^(۲۵) بدین سان برخوردار بودن یک متن از مفاهیم کلامی - عقیدتی مربوط به مصدر کتاب، اصل و منشأ الهی آن و عصمت از سهو و اشتباه می‌تواند به تقدس یک متن منجر شود. روند تقدس یافتن یک متن اغلب بدین صورت است که کتابهایی در طول سالیانتمادی از محبوبیت و رواج بیشتری برخوردار شده و منحصرأ هم در رابطه با مناسک و شعائر دینی به کار می‌روند، طوری که گویی رابطه میان آن کتابها و مناسک و شعائر دینی تفکیک‌ناشدنی به نظر می‌آید.^(۲۶) در دین یهود هم میشنا،^(۲۷) مجموعه گفته‌های شفاهی و متداول خاخام‌های یهودی تا آغاز قرن سوم بود و سپس به طور موضوعی مَبُوب و مرتب شد و از حیثیت یک متن دینی برخوردار گشت. البته هر چند که واژه عبری qadosh، یعنی «مقدس»، برخلاف عهد عتیق، در مورد میشنا هرگز به کار نمی‌رود، ولی گاهی از مؤلف آن به صورت rabbenu ha-qadosh یعنی «خاخام مقدس ما» یاد می‌گردد. جالب این که در خصوص مقدس بودن متون دینی، سلسله مراتبی هم وجود دارد. در دین یهود، تلمود تفسیری بر میشنا یا همان متن مقدس شفاهی است و میدراش^(۲۸) هم تفسیری بر کتاب مقدس یعنی همان عهد عتیق می‌باشد.^(۲۹)



فصل ۶- ترجمه: در رابطه با ترجمه، مسیحیت به کلی متفاوت از یهودیت و اسلام می‌باشد. در حالی که در مسیحیت، ترجمه عهدین به سایر زبانها کاملاً رایج است، در یهودیت هنوز هم ادعیه روزانه به همان زبان عبری اصلی قرائت می‌شوند.^(۳۰)

نکته قابل تأمل در اینجا آن است که چرا معمولاً متون مقدس به زبانهای دیگر ترجمه نمی‌شوند. نویسندگان ادله زیر را در این خصوص ارائه می‌دهد: (۱) اهتمام به حفظ زبان اصلی متن یا متون دینی؛ (۲) دلایل سیاسی که در آن متون مقدس همواره در لفافه‌ای از زبان اصلی پیچیده شده‌اند؛ (۳) دلایل اقتصادی، زیرا ترجمه کردن کتب دینی هزینه هنگفتی را دربردارد. هنوز هم در کنیسه‌ها یک سنت قرن چهارمی وجود دارد که در آن نگاه کردن مترجم به متن اصلی عهد عتیق ممنوع بوده، هرچند قاری دعا هم نباید یک لحظه چشم از متن اصلی بگرداند؛ (۴) فاصله زمانی فراوان میان متن و قاریان آن. در کنار اینها، در ترجمه عهد جدید، تأثیر کلیسا بر روند ترجمه کردن متون دینی یونانی به زبانهای قبطی، سریانی، ارمنی و غیره هویدا است.

یکی از موانع بر سر راه ترجمه متون مقدس احساس رایج مطلق ترجمه‌ناپذیری از زبانی به زبان دیگر می‌باشد، بدین معنا که در ترجمه همواره یا چیزی حذف شده و یا فدای چیز دیگری می‌شود، لذا متن باید به زبان اصلی خوانده شود. واضح است که ترجمه واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر آن ژرفای معنایی و اثر روی خواننده را همانند کلمه اصلی ندارد.

قدمت پدیده ترجمه به زبان آرامی برمی‌گردد. تصادفی نیست که معادل دو واژه translator و interpreter در غالب زبانهای متداول در خاورمیانه اعم از عبری، عربی، فارسی، ترکی و نیز انگلیسی (با احتساب واژه dragoman) همگی از ریشه targum در زبان آرامی گرفته شده‌اند.

در خصوص ترجمه‌های مسیحی کتاب مقدس، سه جنبه قابل تأمل وجود دارد: نخست آن که چرا تمایل اندکی به حفظ عین کلمات و سخنان حضرت عیسی مسیح (ع) وجود داشته است، دوم، تأثیر علاقه و اشتیاق تبشیری مسیحیت بر وضعیت زبانی به طور اعم می‌باشد و سوم، تأثیر ترجمه بر تاریخ مسیحیت است. اول آن که شواهدی وجود دارد که حضرت مسیح (ع) خود به چندین زبان صحبت می‌فرمودند. دلیل دوم به گونه زبان آرامی شهر جلیله (در فلسطین) مربوط می‌شود؛ این گونه نزد یهودیان

تحصیل کرده، خصوصاً اهالی اورشلیم و یهودیه از حسن شهرت برخوردار نبوده و آن گونه که در اناجیل آمده است، اهالی اورشلیم نسبت به این که مسیح از جلیله برخوردار خواهد خاست، نظر چندان مساعدی نداشتند. در انجیل یوحنا، باب ۷، آیات ۴۱ و ۵۲ پرسش تحقیرآمیزی هست که می‌گوید: «آیا تو هم اهل جلیله هستی؟». علاوه بر این، از نظر جامعه‌شناسی زبان، گونه آرامی متداول در شهر جلیله نزد دیگران گونه‌ای مضحک و ناخوشایند می‌نمود و لذا چنین می‌نمود که آرامی، آن هم گونه شهر جلیله، محمل مناسبی برای کلام خداوند نیست. دلیل سوم هم این است که آرامی همانند عبری در فلسطین با دین یهود ممزوج شده بود و تلاشهای فراوانی از سوی آباء کلیسا به عمل آمده بود تا حضرت مسیح(ع) را از زمینه اصلی یهودی‌اش دور نمایند. آخرین دلیل هم عدم علاقه کلیسا به حفظ عین کلام مؤسس شریعت عیسوی به زبان اصلی و تمایلشان به زبان یونانی بود. دلیل این کار هم آن بود که این شریعت را باید به زبان مردمانی که مورد تبلیغ قرار می‌گیرند بیان کرد و البته در آن زمان، زبان یونانی این حسن را داشت که زبان مشترک اقوام فراوانی بود. زبان یونانی به دلیل برخورداری از آثار فلسفی و ظرایف آن و به دلایل سیاسی و جامعه‌شناختی زبان به زبان حرکت‌های دینی مسیحی تبدیل شده بود و لذا نهضت‌های ترجمه عهد جدید غالباً از زبان یونانی به سایر زبانها صورت می‌پذیرفت. نکته دیگر، تأثیر گسترش مسیحیت بر زبان است که فی‌نفسه درخور بررسیهای علمی می‌باشد. نفس این پدیده که یک زبان محلی^(۳۱) به شأن زبانی مقدس بار یابد و خطی برای کتابت آن وضع شود، مسئله‌ای است بسیار درخور بررسی. هر چند که تا پایان قرن دوم، زبان یونانی حتی در رم هم، زبان تعامل‌های اجتماعی و روشنفکری در میان قاطبه اهل علم بود، اما زبان مادری بسیاری از مردم نبود. لاتین هم اندک‌اندک از قرن دوم در میان متکلمان مسیحی به کار می‌رفت. با این حال، جالب است که یکی از ویژگیهای گسترش اولیه مسیحیت تولید ترجمه‌های کتاب مقدس به زبانهای بومی بود. البته گسترش مسیحیت در همان قرون اولیه سبب شد که خط سریانی تبدیل به یکی از موفقترین خطوط شود و رواج یابد. طرفه آن که ترجمه کتاب مقدس به زبانهای محلی مانند قبطی در مصر، آشوری در عراق و سوریه و ارمنی در ارمنستان و دیگر جاها به ابداع خط برای آن زبانها منجر شد و آن که آن زبانها را از حد زبانی عامیانه به سطح و ساحت زبانهای مقدس و لایق کتابت مطالب دینی ارتقا بخشید.

مسئله دیگری که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد، امکان تولید ترجمه‌ای موفق و مطابق با اصل از متنی به یکی از زبانهای سامی (مانند عربی، عبری، آرامی، مندایی و غیره) به یک زبان هندو اروپایی (مانند فارسی، یونانی، ارمنی و جز آن) می‌باشد. واضح است که امکان ایجاد ترجمه‌ای صددرصد مطابق اصل وجود ندارد، هر چند که مترجمان ترجمه سبعینی از عهد عتیق بر این ادعا بودند که ترجمه‌شان از هر جهت با اصل برابر است. کوتاه سخن آن که ویژگیهای ساختاری زبانی و فرهنگی - اجتماعی امکان چنین چیزی را به طور صددرصد فراهم نمی‌سازد. نفس همین مسئله که هیچ دو واژه‌ای - یعنی دو واژه به اصطلاح مترادف - در یک زبان واحد (تا چه رسد به دو واژه و یا دو ساختار در دو زبان) انطباق معنایی صددرصد ندارند، خصوصاً در باب مفاهیم انتزاعی و اسمهای معنا، در امر ترجمه متون دینی از عبری به یونانی، پدیده‌هایی همچون وام‌گیربهای واژگانی و گاه نحوی و ترجمه‌های قرضی را امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. (۳۲) از این رو نویسنده کتاب بحق معتقد است که ترجمه سبعینی از عهد عتیق و نیز کل کتاب مقدس به یونانی دقیقاً عین مطالب کتاب مقدس به زبان عبری نمی‌باشد.

فصل ۷ - اعتقادات و نظارتها: این فصل ناظر به نظام دقیق مشرف بر اعتقادات

دینی و قواعدی که در جهت حفظ تقدس آنها است، معطوف می‌باشد. این قواعد به تلاش عالمان دین در راستای تثبیت عقیده خدشه‌ناپذیری متون مقدس و وحی الهی مربوط بوده و این که اعمال و مناسک دینی باید طبق آداب و شعائر خاصی جاری گردد. این دستورات ناظر به قرائت و تلفظ عبارات متون دینی، کتابت و محفوظ نگه داشتن متون مقدس می‌باشد. از سوی دیگر، عامه مردم هم به متون دینی با هاله‌ای از قداست و احترام دینی نگاه می‌کنند که گاه منجر به بروز افسانه‌ها و خرافات می‌گردد.

انسان طبیعتاً در پی شناختن نویسنده یا راوی هر متنی می‌باشد. این امر در متون مقدس با این اعتقاد همراه می‌گردد که مصدر کلام، خداوند یا یکی از پیامبران و اولیاء الهی است که خود به قدسیت و دینیت متن می‌افزاید. از این رو قرائت، کتابت و تفسیر متن بر عهده عالمان دین گذاشته می‌شود و در طی قرون و اعصار غالباً دست‌نخورده باقی می‌ماند. همین غیرقابل دسترس بودن مصدر کلام دینی و ناشناخته بودن غالب

مصادر و متون دینی جایی را برای تقلب، فریبکاری و تقدس‌بخشیدن به متنی بافته و سر هم‌بندی شده از پیش خود به جای کلام دینی اصیل فراهم می‌سازد.^(۳۳) دست‌نخوردگی متن اصلی و ازلی، سرمدی و الهی بودن زبان متن و لزوم طی طریق برای تحصیل علوم دینی و سیر و سلوک دینی خاص برای تبلیغ دین به مکانیزمهای کنترل در اعتقادات و انجام دادن شعائر دینی منجر می‌گردد.

فصل ۸- اسماء و اعداد: این فصل به نقش اسماء و اعداد در متون و اعتقادات دینی

می‌پردازد. نخستین بحث، پیرامون رابطه مستقیم میان شیئی و نام آن می‌باشد که در رساله کراتیلوس سقراط مطرح شد. به طور اجمال این که اعتقاد به درستی و حقانیت اسمها در غالب سنتهای دینی وجود دارد. در اسلام هم برخی از افراد جمله «الاسماء تنزل من السماء» را ناظر به همین مفهوم به کار می‌برند.

در خصوص نام خداوند، تطابق جالبی میان زبانهای هندو اروپایی با زبانهای سامی برقرار است. در همه اینها خداوند دارای جنس مذکر می‌باشد، نه مؤنث. علی‌رغم این پدیده تاریخی و روشن، برخی از زن‌سالاران (فمینیست‌ها) در پی آنند که مؤنث بودن خداوند را اثبات نمایند(!) سبحانه و تعالی عما یصفون (انعام/ ۱۰۰).

همچنین نویسنده از نظریه جیمز بار^(۳۴) تحت عنوان «مغالطه ریشه‌ای»^(۳۵)

صحبت می‌کند که در بسیاری از نوشته‌های اصیل دینی در باب کتاب مقدس یا مباحث کلامی به معنای ریشه‌ای کلمه توجه شده است. وی این نظر را بر اساس پژوهشهای جدید خدشه‌پذیر می‌داند و می‌گوید هر چند مدت‌های مدیدی در تحقیقات لغت‌شناسی، معنای ریشه‌شناختی کلمه محور تشکیل یک مدخل در فرهنگ لغت بود، ولی مؤلفان فرهنگ عبری کلاسیک شفیلد (۱۹۹۳)^(۳۶) تصمیم گرفتند که به کلی از اطلاعات ریشه‌شناختی صرف‌نظر کنند، زیرا که معمولاً معنای یک کلمه با تکیه بر روابط معنایی‌اش با دیگر کلمات به کار رفته در همان بافت معین می‌شود، نه با اتکا به معنای ریشه‌ای آن.^(۳۷) با این حال، در غالب زبانها هنوز هم ریشه‌شناسی عامیانه وجود دارد که در آن مشابهتهای آوایی (و نه شواهد تاریخی و علمی) حجتی برای اثبات اشتقاق واژه‌ای از واژه دیگر قلمداد می‌شود. مع‌هذا، علی‌رغم اثبات بطلان مبانی اتکا به ریشه‌شناسی در تعیین معنای واژه، هنوز هم معنای ریشه‌شناختی نقش عمده‌ای در

بررسیهای مربوط به تاریخ زبان و ادبیات دینی ایفا می‌کند.

یکی از پدیده‌های مربوط به نامگذاری در جوامع دینی، گرایش مردم به برگزیدن نامهایی مرکب، مأخوذ و یا مشتق از نام خداوند یا دیگر موجودات و پدیده‌های روحانی و مقدس است. مثلاً در زبان عبری، «حزقیل» به معنای «خدا [ئیل] قوی است»، «مایکل یا میکائیل» یعنی «خداوند بی‌همتا است».^(۳۸) نوع دیگر از نامها به مصغّر تحبیب شده مربوط می‌شود که در آن جزء مربوط به نام خداوند یا الهه آن قوم حذف شده و نام کوتا‌تر می‌شود، مانند دانیال (Daniel) که در آن ئیل (E) پایانی که ناظر به نام خداوند در زبانهای سامی است،^(۳۹) حذف شده و این نام به دَن Dan تبدیل می‌شود.^(۴۰)

بحث دیگر در این فصل به قدرت نامها و نامگذاری مربوط می‌شود که در آن نیرو و قوه نامگذاری در انسان را همان عطیه الهی بر بشر می‌داند و به سفر پیدایش در عهد عتیق، باب ۲، آیات ۱۱۹-۱۲۰ اشاره می‌کند که خداوند با عطا فرمودن نام موجودات به آدم، قدرت تسلط بر آنها را بدو بخشید.^(۴۱)

بحث بعدی به نام خداوند مربوط می‌شود. اصولاً یکی از مکانیزمهای احترام و رعایت ادب، اشاره غیرمستقیم به آن پدیده است. به همین دلیل در غالب زبانها، نام شخصیت‌ها (خواه روحانی و خواه غیرروحانی) به صورت غیرمستقیم ذکر می‌شود که پدیده الفاظ حرام یا تابو هم ناظر به همین مطلب است. مثلاً در عبری چند نام برای خداوند هست: یهوه که نام خداوند است، آن گونه که خداوند خودش را نام می‌برد، آدونای نام خداوند است که تنها علماء یهود و خاخام‌ها مأذون به ذکر آن هستند و مابقی مردم با لفظ ha-shem (همان اسم [مخصوص]) از خداوند یاد می‌کنند.^(۴۲) همچنین در برخی سنتهای یهودی، نام یهوه (Yahweh) را بدون درج مصوت‌ها و به صورت YHWH نوشته و با نام «کلمه چهار حرفی»^(۴۳) (ی ه و ه) شناخته می‌شود. به همین نحو در برخی از مخطوطه‌های ترجمه یونانی کتاب مقدس از آکیلا^(۴۴) همین کلمه چهار حرفی، یعنی ی ه و ه، به صورت pipi درج شده است و بر همین اساس در ترجمه معیار تجدید نظر شده کتاب مقدس^(۴۵) هر چهار حرف واژه LORD با حروف بزرگ نگاشته شده است.^(۴۶)

نکته مهم دیگر آن است که در برخی زبانها و فرهنگها، ذکر نام شخص به صورت مستقیم نشانه بی‌نزاکتی می‌باشد و برای رعایت ادب بهتر است که از مکانیزم اشاره

غیرمستقیم^(۴۷) به شخص استفاده کرد. چنین پدیده‌ای در گونه دینی فراوانتر به چشم می‌خورد. مثلاً در دین یهود، به جای گفتن «یهوه» از «آدونای» یا ha-shem استفاده می‌شود. برخی از فرقه‌های مسیحی هم به جای ذکر نام حضرت عیسی مسیح (ع) از عبارت Our Lord استفاده می‌کنند و هنگام قرائت عهد جدید، اگر به نام آن حضرت برخورد کنند، سر را به نشانه احترام به پایین خم می‌کنند،^(۴۸)

نکته بعدی استفاده از نامهای مقدس در انجام دادن کرامات و معجزات یا اعتقاد به حرزها و ادعیه و تعویذها است که حاوی نام یا نامهای خداوند یا دیگر موجودات و شخصیت‌های دینی می‌باشد. اعتقاد به ارزش عددی حروف^(۴۹) (شبه حساب ابجد) هم نکته دیگر درخور تأمل است.^(۵۰)

فصل ۹ - سبکها و روشها: در این فصل گونه کاربردی^(۵۱) تعریف می‌شود که عبارت است از گونه خاصی از زبان که برحسب موقعیتهای کاربردی، موضوعی و محیطی از سوی گوینده به کار می‌رود. در غالب متون دینی پدیده دو زبانگونگی^(۵۲) وجود دارد که اجمال آن این است که در کاربردهای رسمی زبان (که مناسک و شعائر دینی جزئی از آن است) گونه‌ای که فاخر و به لحاظ اجتماعی فخیمتر است، به کار می‌رود. مثلاً در عربی دو گونه وجود دارد: فصیح یا عالی^(۵۳) و عامیانه یا دانی.^(۵۴) از جمله ابعاد قابل توجه در زبان دینی کیفیت صحبت کردن درباره خداوند و یا مورد خطاب قرار دادن خداوند و دیگر شخصیت‌های دینی و روحانی می‌باشد.^(۵۵) البته لازم به ذکر است که امروزه کاربرد thou و دیگر صورتهای همان صیغه در انگلیسی رایج امروزی کاربرد فراوانی ندارد.



فصل ۱۰ - تفسیر: این فصل به بررسی رابطه میان متون مقدس و تأثیر آن بر مخاطبان از سه زاویه دریافت،^(۵۶) تفسیر^(۵۷) و انتقال مفاهیم^(۵۸) می‌پردازد. در خصوص دریافت، هر یک از ادیان به اصالت دینی و الهی کتاب مقدس خود ایمان دارند، ولو اینکه با واسطه باشد که این واسطه یا خود انبیاء عظام هستند یا عالمان دین و مفسران خاص متون دینی.^(۵۹) این دریافت وحی به دو صورت می‌تواند باشد: کتبی و شفاهی. در خصوص ادیان، غالباً وحی به صورت شفاهی دریافت شده اما به صورت کتبی ثبت شده

در مورد تفسیر، از جمله جنبه‌هایی که مطرح شده است، یکی تفسیر متن توسط خود همان متن است و بخشهایی از یک متن بخشهای دیگر را تفسیر می‌کند،^(۶۱) جنبه دیگر، حکایتها و امثال مندرج در کتب دینی است که آیا تفسیر و تأویل آنها باید به همان داستان مربوط شود یا مصادیق آن می‌تواند تکرر و تعدد یابد. در اینجا بحث به مجاز بودن یا نبودن تفسیر داستان یا امثال بیرون از معنای صریح و تحت‌اللفظی آنها در متن مربوط می‌گردد. نکته دیگر آن ارتباط دادن میان متن کهن دینی و برداشتهای اخلاقی و اجتماعی امروزی از آن داستانها و امثال می‌باشد. این مطلب دقیقاً ناظر به سطوح مختلف معنایی در تفسیر کتب مقدس می‌باشد. البته هر چند که غالب محققان به سطوح معنایی مختلف در کتاب مقدس و تفسیر آن رسیده‌اند، ولی باز هم رعایت جانب حزم و احتیاط سبب شده است که ترجمه تحت‌اللفظی بیشتر از ترجمه آزاد مورد عنایت قرار گیرد. البته در مسیحیت دو جریان عمده وجود داشته است: یکی در شرق در مکتب انطاکیه که تأکید آن روی معنای تحت‌اللفظی بوده و دیگری در غرب که به تمثیلی و نمادین بودن داستانها به دیده شک نگریسته و لذا عرفان را با برخی عقاید بدعت‌آمیز بهم آمیخته است.

اورینگن^(۶۲) نخستین محقق بزرگ کتاب مقدس سه سطح معنایی را متناظر با سه سطح روانشناسی انسانی به شکل زیر برشمرد: معنای تحت‌اللفظی، اخلاقی و روحانی که به ترتیب با جسم، روان و روح آدمی متناظر است. آخرین مطلب درباره استخاره^(۶۳) و تفأل است که خود از مکانیزمهای زبانشناختی جالب و پیچیده‌ای در تأویل و تفسیر برخوردار است.

فصل ۱۱ - نتیجه‌گیری: در این فصل به نتیجه‌گیری‌هایی درباره سرشت، منشأ و نقش زبانهای مقدس و متون دینی پرداخته شده است. نخستین مطلب درباره اهمیت ویژه پدیده زبان در تاریخ ادیان می‌باشد. خلقت عالم با امری کلامی صورت پذیرفت (عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۱، آیه ۳).^(۶۴) نکته دیگر در خصوص رابطه میان نامگذاری یا نام بردن و خلقت می‌باشد. هرگاه دانستن نام واقعی شخصی، عامل اعمال کنترل و تسلط بر روی وی باشد، پس دانستن نامهای خداوند هم قدرت و نیروی

فوق العاده‌ای به شخص عالم به نامهای خداوند می‌بخشد.^(۶۵) در عالم مسیحیت، زبان همواره به عنوان نشانه هویت یک جمع مؤمن کلیسایی تلقی شده است. شاید بدلیل همین رابطه بوده است که در ترجمه‌های اخیر از کتاب مقدس (عهدین) به زبان انگلیسی، ضمایری مانند thee, thou و غیره حذف شده‌اند تا به زبان عامه مردم نزدیکتر باشد.

پی‌نوشتها

۱. قرآن مجید، سوره الرحمن، آیه ۳ و سوره روم، آیه ۲۲؛ عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۱۱، آیات ۹-۱؛ عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۱، آیات ۲-۱.

2. Panini (c. 7-3 BC)

3. Vivien Law, "Language and its Students: The History of Linguistics" in N.E. Collinge, ed., *An Encyclopedia of Language* (London: Routledge, 1990), p. 829.

و نیز ر.ک:

David Crystal, *The Cambridge Encyclopedia of Language*, 2nd ed. (Cambridge: Cambridge UP, 1997), p. 409.

۴. محمدتقی بهار (ملک الشعراء)، ج ۱ سبک‌شناسی، ۳ مجلد، چاپ هفتم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ص ۸۱-۸۳

۵. ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق الزجاجی (م. ۳۴۰هـ)، *أمالی الزجاجی*، تحقیق عبدالسلام هارون، الطبعة الثانية (بیروت: دارالجمیل، ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۷م)، ص ۲۳۸-۲۳۹ و همچنین ر.ک: ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد الانباری، (م. ۵۷۵هـ)، *نزهة الالباء في طبقات الادباء*، تحقیق علی یوسف (بی‌جا: جمعیه احیاء مآثر علماء العرب، بی‌تا)، ص ۲-۴

6. Tagmemics

7. Kenneth Pike

8. Eugene Nida

9. Mario Pei, *The Story of Language*, rev. ed. (London: Allen & Unwin, 1965), p. 206.

10. William D. Whitney, *Language and the Study of Language*, 5th ed. (New York: Scribner's, 1892), pp. 399-403; George Yule, *The Study of Language*, 2nd ed. (Cambridge: Cambridge UP, 1996), pp. 2-3; Crystal, op. cit., note 4, pp. 8-9.



12. glossolalia

۱۳- مثلاً لازم نیست که ادعیه و مناجاتهای شخصی حتماً به عربی خوانده شوند، آنها را می‌توان به هر زبان دیگری غیر از عربی ادا کرد.

۱۴- به طور مثال، در برخی روایات تاریخی اسلامی زبان حضرت آدم(ع) عربی معرفی می‌شود و یا عربی زبان اهل آسمان دانسته می‌شود. ر.ک: عبدالرحمن جلال‌الدین السیوطی (م. ۹۱۱۰ هـ)، المزهري في علوم اللغة وانواعها، تحقيق محمد أحمد جاد المولى بك و همكارانش (صيدا-بيروت: المكتبة العربية، ۱۸۰۴ هـ / ۱۹۸۷ م)، ص ۳۰-۳۲. این مثال را جناب آقای محمد سهرابی تهرانی لطف فرمودند.

۱۵- به عنوان نمونه، گونه عربی فصیح در گفتگوهای روزمره میان عرب‌زبانان به کار نمی‌رود و گونه عربی قرآنی هم به کلی غیرقابل تقلید است، هرچند که کلمات و آیاتی از آن به صورت کلیشه به کار می‌روند، مثلاً، هرچند عرب‌زبانان به هیچ وجه به گونه خاص قرآنی صحبت نمی‌کنند، اما بدین نکته مباحث می‌کنند که به (گونه‌ای از) زبان قرآن، یعنی زبان عربی، صحبت می‌کنند و این آیه شریفه را تلاوت می‌کنند که «انا انزلناه قرآناً عربياً» (سوره یوسف، آیه ۲).

۱۶- نمونه‌ای مشابه به قرار زیر است که امروزه در میان مسلمانان هم عنوان زبان عربی، ذهن ما را اولاً به سوی گونه عربی به کار رفته در قرآن مجید و پس از آن زبان ادعیه و احادیث معصومین(ع) معطوف می‌کند و تنها در رده‌های بعدی است که به گویش‌های عربی امروزی می‌اندیشیم. همچنین، ما گویشهای امروزی عربی را با پسوندهای نسبت به کشورهای و شهرها و مناطق مسکونی می‌شناسیم، مانند عربی عراقی، عربی فلسطینی، عربی مصری یا عربی بصره در مقابل عربی بغداد یا عربی خوزستان در ایران، در حالی که مراد ما از مطلق زبان عربی، عموماً همان عربی قرآنی و ادعیه می‌باشد.

17. taboo

تابو یا لفظ حرام، واژه یا عبارتی است که به دلیل رعایت مسائل اخلاقی، عرفیاتی اجتماعی و یا ملاحظات دینی کاربرد آن غالباً در خفا و یا در شرایط خاصی صورت پذیرفته و نوعاً از کاربرد آن اعراض می‌شود.

18. Septuagint (LXX)

ترجمه یونانی عهد عتیق که نام خود را از داستان ترجمه‌اش توسط هفتاد یا هفتاد و

دو یهودی فلسطینی گرفت که به امر بطلمیوس فیلادلفیایی (۲۴۷-۲۸۴ پیش از میلاد) در طی هفتاد و دو روز در جزیره فاروس Pharos در حجره‌هایی مجزا از یکدیگر انجام دادند و به متن ترجمه شده کاملاً یکدستی رسیدند. تحقیقات جدید دال بر این است که این ترجمه توسط یهودیان مصری و در ادوار مختلف صورت گرفت.
ر.ک:

"Septuagint," *The Columbia Encyclopedia*, 2nd ed., ed. William Bridgwater and Elizabeth J. Sherwood (New York: Columbia UP, 1956); and also "Septuagint," *The Oxford English Dictionary*, 2nd ed., 20 vols, ed. J.A. Simpson and E.S.C. Weiner (Oxford: Clarendon-Oxford UP, 1989).

19. "Latin," *The Oxford Dictionary of English*, ed. Judy Pearsall (Oxford: Clarendon-Oxford UP, 1998).

۲۰- مقایسه کنید با آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی (بنی اسرائیل / ۱۱۰)

21. Rob Hisda

۲۲- در تعالیم اسلامی نیز قرائت و کتابت قرآن مجید و در مرتبه بعدی احادیث جایگاهی ویژه داشته و روایات متعددی درباره منزلت این دو امر نقل گردیده است. ر.ک: ابو عبید القاسم بن سلام (م. ۲۲۴ هـ)، فضائل القرآن، تحقیق وهبی سلیمان غاوجی (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ / ۱۹۹۱ م)، از کمک آقای محمد سهرابی تهرانی برای این مثال متشکرم.

۲۳- واژه قرآن از ریشه ق رء هم به لحاظ ریشه‌شناسی با همین ریشه عبری ارتباط دارد. ر.ک. مدخلهای «قراء» و «قرآن» در: دکتر محمد جواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، ۲ مجلد (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷)

۲۴- به همین نحو در قرآن مجید در سوره بقره آیه ۲، عبارت «ذلک الکتاب» اشاره به قرآن مجید دارد.

۲۵- واژه عربی «قانون» هم از همین ریشه یونانی گرفته شده است. ر.ک: «قانون» در مشکور، فرهنگ تطبیقی... و نیز ر.ک:

"Canon," *An Etymological Dictionary of the English Language*, 4th ed., rev., enl., and reset, ed. Walter W. Skeat (Oxford: Clarendon-Oxford UP, 1910).

۲۶- مثلاً در ایران کتاب مفاتیح الجنان، تألیف حاج شیخ عباس قمی (ره) از همین ویژگیها

برخوردار است و لذا در اغلب مراسم دینی مورد استفاده قرار گرفته، غالب ادعیه از روی آن خوانده می‌شوند و در کنار قرآن قرار گرفته است.

27. Mishna

28. Midrash

۲۹- مشابه این سلسله مراتب در جهان اسلام هم هست که از قرآن مجید آغاز شده به احادیث، ادعیه و سپس به سایر متون دینی می‌رسد.

۳۰- در جهان اسلام هم ترجمه قرآن مجید تا اندکی پیش از این چندان جدی گرفته نمی‌شد.

31. vernacular

۳۲- همین پدیده میان عربی و فارسی صادق است که بخش عمده‌ای از اصطلاحات و حتی ساختارهای مربوط به مفاهیم و فرهنگ اسلامی به کار رفته در فارسی یا عیناً از عربی گرفته شده‌اند و یا ترجمه‌های قرضی هستند و یا این که سبب گسترش حوزه معنایی برخی واژه‌های فارسی شده‌اند.

۳۳- مقایسه کنید با آیه شریفه فویل للذین یکتبون الکتاب بآیدیهم ثم یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمناً قليلاً (بقره/ ۷۹)

34. James Barr

35. root fallacy

همین مطلب را لاینز، زبان‌شناس انگلیسی، تحت عنوان «مغالطه ریشه‌شناختی (etymological fallacy)» مطرح می‌کند. ر.ک:

John Lyons, vol.1 of *Semantics*, 2 vols (Cambridge: Cambridge UP, 1977), p.244; and *ibid.*, vol. 2, p. 551.

لازم به یادآوری است که آنچه در حوزه‌های علمیه عصر حاضر تحت نام «ریشه‌شناسی» عربی معروف است، در حقیقت «اشتقاق (derivation)» و یا «تصریف (inflecton)» واژه از یک ریشه سه یا چهار حرفی می‌باشد. «ریشه‌شناسی» واقعی آن است که تحول آوایی، املائی و معنایی یک واژه را در تاریخ تا دوردست‌ترین زبان مورد بررسی، که این واژه از آن برگرفته شده است، را مطالعه نماید. نمونه‌ای از این مطالعات ریشه‌شناختی را در فرهنگ‌های ریشه‌شناسی مذکور در همین پی‌نوشتها و نیز در کتاب ارجمند سیدحسن مصطفوی تحت عنوان التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۰ مجلد (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب) می‌توان دید.

36. *Sheffield Dictionary of Classical Hebrew*

37. D. Connor Ferris, *Understanding Semantics* (Exeter: U of Exeter, 1983), p. 10.

۳۸- به همین نحو در عربی نامهایی مانند عبدالله، عبدالقادر و یا در فارسی نامهایی مانند خداکرم، خدابخش، خداداد و یا عبدالحسین، عبدالامیر، عبدالحمید و جز آن را داریم.

۳۹- بر اساس آنچه در فرهنگ لغت ریشه‌شناسی انگلیسی آکسفورد (۱۹۶۶) آمده است، لفظ جلاله «الله» از دو جزء ال (حرف تعریف معرفه) و اله گرفته شده است. واژه اله در عربی از elah در آرامی و eloah در عبری گرفته شده است. ر.ک:

"Allah," *The Oxford Dictionary of English Etymology*, ed. C.T. Onions, et al. (Oxford: Clarendon-Oxford UP, 1966).

همچنین مرحوم دکتر مشکور در فرهنگ تطبیقی فوق‌الذکر خود، ذیل مدخل «الله» می‌نویسد: «از لحاظ ریشه‌شناسی کلمه «الله» ممکن است مرکب از حرف تعریف «ال» با کلمه «اله» باشد». وی سپس ذیل مدخل «اله» ریشه آن را *El* می‌داند و به ذکر سایر صورتهای آن در زبان‌های عبری، آرامی، سریانی، سبئی، مندائی و آرامی باستان می‌پردازد.

۴۰- صورت مصغر محبت‌آمیز یا تحبیب شده در عربی هم هست که نمونه بارز آن نام مبارک حسین است که صورت مصغر محبت‌آمیز حسن است و بر همین قیاس است نامهایی مانند: *جَمِيل*، *زهیر* و جز آن.

۴۱- به همین نحو هم در قرآن مجید داریم «و علم آدم الاسماء كلها» (بقره / ۳۱).

۴۲- در اینجا شایسته است از نکات و بحثهای سودمندی که طی جلسات متعدد با همکار گرامی و استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سعید عریان داشتم یاد کنم که مطالب ارزشمند فراوانی از ایشان آموختم.

43. Tetragrammaton

44. Aquila

45. Revised Standard Version (RSV)

۴۶- برخورد تابووار و با احترام دینی را در فرهنگ اسلامی و شیعی در دو جا می‌توان دید، یکی درباره حضرت رسول اکرم (ص) است که قرآن مجید می‌فرماید: «لاتجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً» (نور / ۶۳) و دیگری درباره نام اصلی حضرت بقیة الله (عج) است که نام مبارکشانی گاهی به صورت «م ح م د» ذکر



شده و از ذکر این نام در زمان غیبت نهی شده است.

47. indirect reference

۴۸- درست همان طور که برخی هنگام شنیدن شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت در اذان و یا اقامه چنین می‌کنند.

49. gematria

۵۰- شبیه این مسئله را در فرهنگ اسلامی درباره تاریخ وفات علمای دینی و برگردان آن به ارزش حروفی از حساب ابجد می‌توان دید.

51. register

52. diglossia

53. high language

54. low language

۵۵- استفاده از ضمیر «تو» در فارسی، «انت» در عربی به جای استفاده از «شما» در فارسی و یا «انتم» و یا «انتن» در عربی همواره در متون دینی وجود داشته است.

56. perception

57. interpretation

58. transmission

۵۹- در اسلام هم اعتقاد بر این است که قرآن مجید عین کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد، «ذلک الکتاب لاریب فیه» (بقره ۲/۲) و نیز «ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً» (نساء ۸۲/۸۲) و البته هم غیرقابل تقلید است «قل فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کتم صادقین» (بقره ۲۳/۲۳).

۶۰- درباره اصل تورات، ظاهراً به صورت کتبی دریافت شده و در قرآن مجید خداوند متذکر می‌گردد که متن مکتوب در الواح را به حضرت موسی(ع) می‌دهد «وکتبنا له فی الالواح» (اعراف، ۱۴۵). (یادآوری جناب آقای محمد سهرابی تهرانی).

۶۱- این مطلب مشابه همان نظر معروف مرحوم علامه طباطبایی است که فرمودند: القرآن یفسر بعضه بعضاً و یا تفسیر القرآن بالقرآن.

62. Origen

63. divination

۶۴- در قرآن کریم هم داریم: «انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون» (یس ۸۲/۸۲).

۶۵- شاید این مطلب به تأثیرات دانستن اسم اعظم هم مربوط گردد.